

# مطالعه‌ی تطبیقی رویکردهای کمی و کیفی در پژوهش‌های تربیتی

سلمان رضوانخواه<sup>1</sup>، محسن فرمهینی فراهانی<sup>2</sup>

## بیان مساله

پژوهش نقش مهمی را در هر یک از علوم ایفا می‌کند. تعلیم و تربیت نیز از این قضیه مستثنا نیست. یکی از ارکان مهم هر پژوهش روش‌شناسی است، چرا که روش‌شناسی مناسب می‌تواند منجر به یافته‌های معتبر و قابل اعتماد شود. از آن جا که روش‌های پژوهش متناسب با رویکرد‌های پژوهشی بوده و از آن نشأت می‌گیرند، لذا بررسی رویکرد‌های پژوهشی از اهمیت زیادی برخوردار است. دو رویکرد مشخص در علوم تربیتی عبارتند از رویکرد‌های کمی و کیفی. پژوهش‌های کمی بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهش از قبل تعیین شده انجام می‌شود. معیارهای اندازه‌گیری داده‌ها کمی است و برای استخراج نتیجه‌ها از فن‌های آماری استفاده می‌کنند. از سوی دیگر پژوهش‌های کیفی شامل روش‌هایی می‌شوند که برای مطالعه‌ی پدیده‌ها در شکل طبیعی خودشان به کار گرفته می‌شوند و پژوهشگر هیچ فرضیه‌ی از قبل تعیین شده‌ای در زمینه‌ی مورد مطالعه در دست ندارد در این گونه پژوهش‌ها، هدف پژوهشگر بررسی کیفیت پدیده‌ی مورد مطالعه است، نه کمیت. به علت اهمیت موضوع در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است، اشاره می‌شود.

نصر و شریفیان (1386) معتقد اند امروزه در هیچ حوزه‌ای نمی‌توان بعد کمی و جنبه‌ی کیفی را از یکدیگر جدا کرد. هر پدیده‌ی ابعاد کمی و کیفی را به صورت توأمان داراست و پدیده‌های تربیتی نیز به نحو بارز از این ویژگی برخوردارند. دلاور (1389) در پژوهشی با عنوان روش‌شناسی کیفی، برخی از جمله محاسن روش‌شناسی

---

<sup>1</sup>-کارشناس ارشدتاریخ و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، دبیر اداره‌ی کل آموزش و پرورش فارس.

s.kh.yass@gmail.com

farmahinifar@yahoo.com

<sup>2</sup>- استادیار دانشگاه شاهد، دکترای علوم تربیتی

کیفی را نام می‌برد که عبارتند از: روش‌های تحقیق کیفی درک عمیق تری نسبت به سایر روش‌های پژوهش از رفتارهای اجتماعی می‌دهند، موضوعاتی غیر قابل اندازه‌گیری را به روش کیفی می‌توان مطالعه کرد و این که تحقیق کیفی برای مطالعه‌ی رفتارهایی که در شرایط طبیعی درک می‌شوند - مثل رفتار دانشجویان در طول یک سال - مناسب است.

برمن لیکامپت و گوتز (1986) ادعا می‌کنند که انتقادهای وارده به پژوهش‌های کیفی به این دلیل نیست که نقص واقعی در الگوی کیفی وجود دارد، بلکه به این دلیل است که واژه‌ی تجربی به اشتباه برابر و مترادف با واژه‌ی کمی به کار برده می‌شود.

مایلز (1979) می‌گوید: حقیقت این است که اگرچه روش‌های پژوهش گوناگونی زیر عنوان روش‌های کمی و روش‌های کیفی به وسیله‌ی پژوهشگران متعددی انجام می‌شوند اما در واقع همه‌ی این مطالعات در مسیر بسط و گسترش علم و کشف حقیقت است که هدف نهایی هر پژوهشی است.

## سوالات پژوهش

1. مفروضات معرفت‌شناختی هر یک از رویکردهای پژوهش کمی و کیفی چیست؟
2. روش‌شناسی پژوهش‌های مرتبط با هر یک از رویکردهای پژوهش کمی و کیفی کدام‌اند؟
3. رابطه‌ی رویکرد‌های پژوهش کمی و کیفی با یکدیگر چگونه است؟
4. کارآیی هر یک از پژوهش‌های کمی و کیفی برای پژوهش‌های مرتبط با فلسفه‌ی تعلیم و تربیت چگونه است؟

## چارچوب نظری

مقاله‌ی حاضر قصد دارد به بررسی تطبیقی دو رویکرد موجود در پژوهش‌های تربیتی که عبارت از رویکرد‌های کمی و کیفی هستند بپردازد. به این ترتیب هدف پژوهش پیش‌رو بررسی تطبیقی رویکرد‌های کمی و کیفی است که این تطبیق از چهار جنبه صورت می‌گیرد. 1- مفروضات معرفت‌شناختی هر رویکرد در مورد دانش علمی، 2- روش‌شناسی 3- اعتبار یافته‌ها و 4- کارآیی آن‌ها برای پژوهش‌های مرتبط با فلسفه‌ی تعلیم و تربیت. برای بررسی این جنبه‌ها به نظریاتی که مکاتب مختلف فلسفی در رابطه با پژوهش‌های تربیتی ارائه کرده‌اند، پرداخته می‌شود.

## روش‌ها

روش انجام تحقیق در این پژوهش، روش توصیفی است که با توجه به ماهیت و نوع مطالعه که بررسی تطبیقی است در چهار مرحله ی توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه انجام شده است. این روش برگرفته از روش مطالعه تطبیقی جرج بردی لهستانی است. بر این اساس دو رویکرد پژوهشی کمی و کیفی به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و در جدول‌هایی تنظیم شده است که پس از توصیف و تفسیر هر کدام از آنها، مراحل همجواری و مقایسه انجام شده است. این داده‌ها از طریق شبکه ی اینترنت و مطالعه ی کتب و مقالات مرتبط جمع آوری شدند. از آنجا که داده‌های به دست آمده از نوع کیفی است بنابراین با روش کیفی نیز تحلیل و جمع بندی شده است.

## یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد، برخی از صاحب‌نظران معتقدند که دو رویکرد کمی و کیفی با یکدیگر ناسازگار اند، گروهی دیگر معتقد اند که این دو رویکرد مکمل یکدیگر بوده، رویکرد کیفی نقش کشف نظریات تربیتی را داشته و رویکرد کمی نقش تایید نظریات کشف شده را دارد. و این در حالی است که گروه سوم معتقد اند که این دو روش نه با یکدیگر ناسازگار بوده و نه مکمل یکدیگر اند، بلکه هر کدام از آن‌ها قسمتی از حقیقت را دارا هستند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند، از آن‌جا که هدف فلسفه ی تعلیم و تربیت بیشتر کشف مسائل بنیادین حوزه ی تعلیم و تربیت و بررسی و نقادی آن‌ها است، لذا روش‌هایی که با رویکرد کیفی متناسب اند، در حوزه ی پژوهش‌های مربوط به فلسفه ی تعلیم و تربیت کارایی بیشتری دارند.

## نتیجه‌گیری

از عمده ترین نتایج پژوهش عبارت اند از: 1- رویکرد کمی معتقد است که واقعیت‌ها عینی و ثابت هستند در حالی که رویکرد کیفی معتقد است که واقعیت‌ها پیوسته و در موقعیت‌های مختلف ساخته می‌شوند. 2- در پژوهش کمی جامعه و نمونه ی پژوهش به طور مشخص وجود

دارد و از روش‌های آماری برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود، ولی در رویکرد کیفی پژوهش معمولاً موردی بوده و داده‌ها به روش استقراء تحلیل می‌شوند. 3- در هر دو رویکرد داده‌ها معتبرند. 4- اگرچه روش‌های کمی هم برای فلسفه‌ی تعلیم و تربیت می‌توانند در برخی موارد مفید باشند، اما پژوهش‌های کیفی کارایی بسیار زیادی در پژوهش‌های مرتبط با فلسفه‌ی تعلیم و تربیت دارند، چرا که هدف فلسفه‌ی تعلیم و تربیت بررسی بنیادی مسائل تعلیم و تربیت بوده و این مهم از طریق روش‌های منطبق با رویکرد کیفی بهتر محقق می‌شود.

### پیشنهادهات

- پژوهشگران حوزه‌ی تعلیم و تربیت می‌توانند با استفاده از یافته‌های این تحقیق به بینش بهتری در مورد انتخاب روش‌های پژوهش برای پژوهش‌های این حوزه برسند.  
- دانشجویان و اساتیدی که به مطالعه در خصوص روش‌های پژوهش می‌پردازند می‌توانند از یافته‌های این پژوهش برای درک بهتر ارتباط بین روش‌های پژوهش استفاده کنند.  
**واژگان کلیدی:** مطالعه‌ی تطبیقی، رویکرد کمی، رویکرد کیفی، فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، روش پژوهش.

### منابع

- 1- باقری، خسرو و سجادیه، نرگس و توسلی، طیبه (1389)، رویکرد‌ها و روش‌های پژوهش در فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- 2- سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه (1389)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر آگه.
- 3- صدوقی، مجید (1386) کنکاش در مبانی فلسفی پژوهش کمی و کیفی در علوم رفتاری، فصلنامه‌ی حوزه و دانشگاه، سال سیزدهم، شماره‌ی 52، صص 83-103.
- 4- عریضی سامانی، حمیدرضا (1386) سه فرض ضمنی زیربنایی در نفی روش‌های کمی و نقد آن، فصلنامه‌ی حوزه و دانشگاه، سال سیزدهم، شماره‌ی 52، صص 45-65.



- 5- Ghauri, P. Gronhaug, K., and Kristianslund, I(1995). Research Methods In Business Studies. NewYork: prentice Hall.
- 6- Borman, K. M. Lecompte, M.D. and Goetz, J.P(1986). “Ethnographic and Qualitative Research Design and Why It Doesn’t Work.” American Behavioral Scientist, No. 1.
- 7- Miles.M.B(1979). “Qualitative Data as an Attractive Nuisance: The Problemof Analysis”. inJ.VanMaanen(ed). Qualitative Methodology. BeverlyHills: Sage.